

بررسی اهداف حکومت دینی از دیدگاه نهج البلاغه

علیرضا کمالی*

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۶

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۲۷

چکیده

حکومت دینی، حکومتی است که در آن مدیریت خرد و کلان جامعه بر مبنای احکام، فرامین و ارزش‌های دینی انجام گردد. اهداف یک نظام، اموری کلی است که دستیابی به آنها در آن نظام مطلوب است. این مقاله بر آن است تا با جستاری در آموزه‌ها و سیره سیاسی و رفتاری امام علی علیه السلام اهداف کلان حکومت اسلامی را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی - امنیتی بررسی نماید. در یک نگاه اهداف حکومت از منظر آن حضرت را می‌توان به اهداف غایی و میانی تقسیم نمود. حکومت دینی در اهداف غایی و بلندمدت به دنبال انسان‌سازی و هدایت انسان به قرب الهی است و در اهداف میان‌مدت در جهت مدیریت بر مبنای قوانین الهی، حاکمیت دادن شایستگان، ارتباط بهینه با دیگر حکومت‌ها، اجرای عدالت همه جانبه، تامین نیازمندی‌های همگانی و گسترش رفاه عمومی، ترویج و توسعه اندیشه‌های ناب دینی، گسترش مرزهای دانش در میان مردم، افزایش توان اقتصادی شهروندان، آبادسازی و عمران کشور، توسعه و ترویج تجارت، صنعت و زراعت، تامین امنیت عمومی برای همه شهروندان، کشف توطئه‌ها و پیشگیری از وقوع آنها و مدیریت بحران‌های اجتماعی - سیاسی می‌کوشد.

واژگان کلیدی

حکومت دینی، اهداف حکومت، اهداف غایی، اهداف میانی، سیاست در نهج البلاغه.



طرح مسأله

حکومت دینی حکومتی است که بر پایه احکام و فرامین دینی بنا شده است. دین مبین اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی، رسالت هدایت انسان‌ها را به کمال و سعادت دنیوی و اخروی عهده‌دار است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تشکیل حکومت در مدینه سنگ بنای حکومت اسلامی را استوار ساخت و در مدت ده سال آن را رهبری فرمود. آمدورفت خلفای سه‌گانه و لغزش‌های انجام یافته در طول ۲۵ سال حکومت، باعث شد مردم شتابان به سوی امیرمومنان علیه السلام روانه شوند. (خطبه ۳)

امام علی علیه السلام پس از پذیرش حکومت، با بیعت گسترده خواص و عوام جامعه دینی مواجه شد، اما زمانی که آن حضرت به تبیین اهداف حکومت پرداخت و سیره خویش را بر مبنای آن استوار ساخت، گروهی از خواص که بهره دنیوی خویش را از حکومت امام علی علیه السلام هم‌سان با دیگران می‌دیدند، از حلقه آن حضرت بیرون آمدند و با ایجاد فتنه‌ها و بحران‌ها، موانعی را پیش‌روی حکومت علوی گذاردند. امام در این بحران‌های سهمگین، تسلیم خواسته‌های بی‌منطق خواص نگردید و افزون بر هدایت موفق میدان‌های نبرد، حکومت را در ساحت‌های مختلف با موفقیت اداره نمود.

این مقاله بر آن است تا بر اساس تجارب آن حضرت که در نامه‌ها، خطابه‌ها و سیره عملی‌شان بازتاب یافته است به این پرسش پاسخ دهد که حکومت دینی بر اساس اندیشه امام علی علیه السلام باید به‌دنبال چه اهدافی باشد؟

پیشینه پژوهش

در باره اهداف حکومت دینی مقاله‌های ارزشمندی به زیور چاپ آراسته شده است، از جمله یحیی فوزی و مسعود کریمی در مقاله «اهداف حکومت اسلامی» با استفاده از آیات و روایات اسلامی و اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه به تبیین اهداف کلان حکومت اسلامی و بیان منشأ اهداف حکومت دینی و وجه تمایز حکومت دینی با سایر حکومت‌ها پرداخته‌اند.

احمدعلی نیازی در مقاله «اهداف و وظایف حکومت دینی» به مهم‌ترین دیدگاه‌های فیلسوفان مدرن و کلاسیک در باب اهداف حکومت اشاره می‌کند و به بیان تمایز حکومت دینی با حکومت‌های غیردینی پرداخته و عدالت‌خواهی، هدایت و تربیت جامعه برای نیل به سعادت و خیر حقیقی و ملاحظه مصالح اخروی را به‌عنوان شاخصه‌های اصلی حکومت دینی برشمرده است.

فوزی و کریمی در مقاله «تفاوت‌شناسی اهداف حکومت‌های سکولار و حکومت اسلامی» به تبیین و بیان تفاوت‌های بین اهداف حکومت‌های فوق پرداخته و در صدد پاسخ‌گویی به این



پرسش‌اند که این حکومت‌ها در اهداف چه تفاوت‌های صوری و ماهوی با یکدیگر دارند؟ آنان به این نتیجه رسیده‌اند که حکومت اسلامی اگر واقعا اسلامی باشد با حکومت‌های سکولار در تمام سطوح اهداف حکومتی از عناوین گرفته تا تفصیل و تفاسیر آنها دارای اختلاف‌های مهمی هستند.

ابوالفضل شاه آبادی و زینب زرین نعل نیز در مقاله «رعایت اصول حکومت علوی بستر ساز تحقق اهداف حکومتی» با توجه به سیره حکومتی امام علی علیه السلام تلاش نموده‌اند تا اصول مدیریتی آن حضرت را تبیین نمایند. ایشان احیای عدالت، تعلیم و تربیت، آزادی و استقلال و بهبود وضع معیشتی مردم و قرب الهی را به‌عنوان اهداف حکومت امام علی علیه السلام دانسته و برای رسیدن به این اهداف رعایت اصولی چون انتخاب مسئولان و کارگزاران، مشورت در امور، مردمی بودن اهداف و حمایت از مردم، اخلاق اسلامی، پاداش و تنبیه، تقسیم کار، رعایت اعتدال و عدالت، علم و شناخت و آگاهی نسبت به امور و در نهایت کنترل و نظارت می‌تواند به تحقق اهداف حکومت بیانجامد.

علی‌رغم تلاش‌های علمی انجام یافته تاکنون پژوهشی متمرکز بر چپستی ابعاد مختلف اهداف حکومت دینی از منظر امام علی علیه السلام، نگارش نیافته است.

مقدمه

اهداف^۱ یک نظام، امور کلی است که دستیابی به آنها در آن نظام مطلوب است. این عناصر در اغلب موارد اموری حقیقی و تکوینی هستند. (هادوی تهرانی، ۱۳۸۸: ۴۲) اهداف حکومت‌ها که از غایت‌های بنیادین و فلسفی آنها نشأت می‌گیرد، نظام‌های قانون‌گذاری و خط‌مشی‌های حکومتی را به‌صورت مستقیم جهت می‌دهد. بر این اساس هرچه عناوین و شیوه این اهداف در نظام حکومتی روشن و مورد توافق باشد، افزون بر نشان دادن تمایز و استقلال ماهوی آن از سایر حکومت‌ها بهتر می‌تواند راهنمای عمل دولتمردان و راهگشای الگوهای توسعه و پیشرفت در حکومت دینی باشد. (فوزی و کریمی، ۱۳۹۰: ۱۳۸)

در یک معنای عام و کلی هدف، وضعیت آرمانی و مطلوبی است که باید بدان دست یافت. هدف‌ها با توجه به ملاک‌های مختلف دارای دسته‌بندی‌های مختلفی هستند، اما هدف حکومت به‌صورت خاص ارتباط وثیقی با نوع نگاه به فلسفه و منشأ حکومت دارد. دو نظریه مهم در مورد منشأ دولت وجود دارد؛ برخی نگاه قراردادی به حکومت دارند و در مورد منشأ این قرارداد عده‌ای بر عقل بشر و عده‌ای دیگر بر منافع آن تاکید دارند، (اوزر، ۱۳۸۶: ۲۳ - ۱۱) در مقابل برخی دیگر نوعی نگاه

1. Objectives.

فراگیری به حکومت دارند و منشأ حکومت را امری فراانسانی می‌دانند که هر یک از این دو نظریه نقش مهمی در مورد نوع نگاه به اهداف دولت دارد.

در قالب دیدگاه اول هدف دولت تامین اهدافی است که بشر به سبب آن به تشکیل دولت دست‌یازیده است، اما اگر منشأ حکومت را امری فراگیری بدانیم در آن صورت، اهداف دولت و ملت فراتر از خواست بشر خواهد بود. (عالم، ۱۳۸۴)

اهداف حکومتی نوعی ارزش جمعی است که به دنبال آن است، از این رو تفاوت حکومت‌های مختلف در تفاوت بین ارزش‌هایی است که به دنبال تحقق آنها در قالب اهداف خود هستند. بر این اساس می‌توان گفت اهداف حکومت‌ها در واقع نوعی ارزش برنامه‌ریزی شده و سازمان‌یافته است که در یک جامعه مورد اجماع نسبی بوده و تحقق آن به حکومت واگذار شده است، بنابر این در حالت عادی و معمول اهداف حکومت‌ها را باید در نظام ارزشی حاکم بر جامعه مربوطه جستجو کرد. (فوزی و کریمی، ۱۳۹۰: ۱۳۹).

اهداف سازمان‌ها در اسلام، جدای از اهداف حکومت اسلامی نیست؛ چرا که سازمان‌ها جزیی از پیکره حکومت است، باید اهداف حکومت اسلامی اهداف اصلی یک سازمان قرار گیرد و اهداف خرد و کلان هر سازمان در راستای اهداف جامع نظام اسلامی باشد.

مدیران باید امور سازمان را بر اساس اهداف تقسیم نمایند و بر مبنای شایستگی و توانمندی افراد، آن را میان کارکنان توزیع کنند. بی‌توجهی به تقسیم کار باعث مختل شدن امور می‌گردد و در برخی مواقع اصطکاک میان کارکنان را به دنبال خواهد داشت. وظیفه مدیران تبیین و توزیع مناسب وظایف کارکنان در هر سازمانی است به گونه‌ای که این وظایف بر دوش عده‌ای سنگینی کنند و عده‌ای دیگر با فراغت بال امور را بگذرانند.

پس از تقسیم امور بر اساس اهداف و مشخص شدن ساختار نظام باید برای هر قسمت مسؤولی انتخاب و حدود اختیارات او مشخص شود. امام علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

وَاجْعَلْ لِرَأْسِ كُلِّ أَمْرٍ مِنْ أُمُورِكَ رَأْسًا مِنْهُمْ لَا يَفْهَرُهُ كَبِيرُهَا وَلَا يَتَشَتَّتُ عَلَيْهِ كَثِيرُهَا
(نامه ۵۳).

و بر سر هر یک از کارهایت مهتری از آنان بگمار که نه بزرگی کار او را ناتوان سازد و نه بسیاری آن وی را پریشان.

امام علیه السلام همچنین در وصیت به امام مجتبی علیه السلام می‌فرماید:



وَاجْعَلْ لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْ خَدَمِكَ عَمَلًا تَأْخُذُهُ بِهِ فَإِنَّهُ أَحْرَىٰ أَلَّا يَتَوَاسَلُوا فِي خِدْمَتِكَ (نامه
۳۱)؛

هر یک از خدمتکاران را کاری به عهده بگذار و آن را بدان کار بگمار تا هر یک
وظیفه خویش بگذارد و کار را به عهده دیگری نگذارد.

انواع هدف‌ها

استقرار اهداف دین به معنای استقرار جهت‌گیری‌های ارزشی دین در عرصه‌های مختلف آن است که
در نهایت اهداف حکومت مبتنی بر دین را تبیین می‌کنند. اهداف را می‌توان در دو سطح بلندمدت
(غایی) و میان‌مدت (میانی) طبقه‌بندی کرد:

۱. اهداف بلند مدت

در اسلام همه چیز از خدا و به‌سوی او دانسته می‌شود^۱ (بقره / ۱۵۶) و مطابق آیات قرآن، تمامی
ارکان وجود تحت سیطره مطلق او است^۲ (یس / ۸۲) و هرچه بخواهد همو شود، هرچند که او جز
خیر چیزی نمی‌خواهد^۳ (نحل / ۹۰). غایت حکومت دینی را می‌توان بسترسازی و هدایتگری در
صحنه جامعه برای انسان‌سازی و رشد انسان‌های بافضیلت و خداگونه عنوان کرد.

روشن است که جهت کلی همه اقدام‌های حکومت و اهداف میان‌مدت و خرد باید در این راستا
طراحی و اجرا شود، از این‌رو رفاه، آزادی، نظم و امنیتی در این دیدگاه باارزش است که بتواند
زمینه‌ساز رشد و تعالی انسان شود. ارتباط اهداف عرصه‌های خرد و کوتاه مدت با این هدف کلان
مهم‌ترین هنر حکومت دینی است، در غیر این صورت تفاوتی میان حکومت دینی و غیر دینی وجود
نخواهد داشت. امام علی علیه السلام طی نامه‌ای خطاب به ابن عباس هدف از حکومت بر مردم را چنین
یادآور می‌شود:

فَلَا يَكُنْ حَطُّكَ فِي وِلَايَتِكَ مَالًا تَسْتَفِيدُهُ وَلَا غَيْظًا تَسْتَفِيهِ وَلَا كُنْ إِمَامَةً بَاطِلٍ وَإِحْيَاءُ حَقِّ
(مازندرانی، ۱۳۷۹: ۲ / ۱۰۲).

ای فرزند عباس، بهره تو از حکومت نباید مالی باشد که از آن استفاده می‌کنی و

۱. «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

۲. «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ».

۳. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ».

نه غیظ و خشمی که با امر و نهی شفا یابد بلکه باید هدف تو نابودی باطل و زنده داشتن حق باشد.

بر اساس این فرمایش حضرت، میراندن باطل و احیاء حق از اهداف بلندمدت حکومت اسلامی است.

۲. اهداف میان‌مدت

از آنجایی که انسان‌ها دارای خصلت اجتماعی‌اند، جهت نظام بخشیدن به امور و تامین نیازهای ضروری که بر پایه اجتماع استوار است، چاره‌ای جز تشکیل حکومت ندارند؛ چه در رأس این حکومت حاکمی پرهیزکار قرار گیرد یا فاجر، چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

وَإِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَسْتَمْتَعُ فِيهَا الْكَافِرُ وَيُبْلَغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ (خطبه ۴۰).

مردم را حاکمی باید نیکوکردار یا تبه‌کار، تا در حکومت او مرد باایمان کار خویش کند و کافر بهره خود برد، تا آنگاه که وعده حق سر رسد و مدت هر دو در رسد.

برپایی عدالت، رفاه اجتماعی، آموزش و پرورش شهروندان، تامین معیشت و نیازهای اقتصادی مردم و آبادانی سرزمین هدف مشترک اغلب حکومت‌ها است، اما ممکن است شیوه‌ها و سیاست‌های رسیدن به این اهداف با یکدیگر متفاوت باشد. فرمایش‌های امام علی علیه السلام در باره اهداف میان‌مدت حکومت را می‌توان به شرح ذیل ارائه نمود:

یک. اهداف اجتماعی

اهداف اجتماعی حکومت دینی ناظر به روابط و نیازهای اجتماعی افراد جامعه است که در دو هدف کلان قابل جمع است:

الف) اجرای عدالت همه جانبه

یکی از اهداف حکومت دینی، برپایی عدالت و رفاه اجتماعی در میان آحاد جامعه است، بی‌توجهی به این امر باعث رواج و افزایش ظلم و ستم فرادستان بر فرودستان و فزونی فقر و فلاکت در میان محرومان می‌گردد.

اجرای عدالت در جامعه موجب آرامش، ثبات و سعادت جامعه می‌شود. از نظر امام علی علیه السلام اصلاح و ترمیم خرابی‌ها، اعاده حیثیت‌ها و راست کردن کجی‌ها، از اجزاء اصلی عدالت است. امام



علی علیه السلام به مالک اشتر می نویسد: «إِنَّ أَفْضَلَ قُرَّةِ عَيْنِ الْوَلَاةِ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ (نامه ۵۳)؛ برترین چیزی که موجب روشنایی چشم زمامداران می شود، برقراری عدالت در همه بلاد است». بنابراین، بهترین سیاست برای همگان، سیاستی است که بر عدالت همه جانبه استوار باشد و به بهانه های گوناگون، عدالت زیر پا گذاشته نشود، به بیان امیرمؤمنان علی علیه السلام: «خَيْرُ السِّيَاسَاتِ الْعَدْلُ (تمیمی آمدی، ۱۴۲۶: ۳۵۴)؛ بهترین سیاست ها عدالت است.»

میزان پایداری هر حکومتی به اجرای «عدل» در حکومت وابسته است: «اعْدِلْ تَدُومَ لَكَ الْقُدْرَةُ (تمیمی آمدی، همان: ۱۳۳)؛ دادگر باش، قدرتت پایدار می ماند»؛ زیرا هیچ چیز همانند عدل باعث استحکام دولت ها نشده است: «لَنْ تَحْصَنَ الدُّوْلَ بِمَثَلِ الْعَدْلِ فِيهَا» (همان: ۵۵۵) از سوی دیگر زوال و سستی بنیاد حکومت ها با ظلم به مردم مرتبط است، چنان که حضرت می فرماید: «اسْتَعْمِلِ الْعَدْلَ وَ احْذَرِ الْعُسْفَ وَالْحَيْفَ فَإِنَّ الْعُسْفَ يَعُوذُ بِالْجَلَاءِ وَالْحَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ (حکمت ۴۷۶)؛ کار به عدالت کن و از ستم و بیداد بپرهیز که ستم رعیت را به آوارگی وادارد و بیدادگری شمشیر را در میان آرد» و در نتیجه موجبات زوال آن را فراهم می سازد: «مَنْ جَارَ مُلْكُهُ عَجَلَ هَلْكُهُ» (تمیمی آمدی، همان: ۵۹۲). بی گمان ستم و بیداد مایه زشتی و عدالت و داد مایه زیبایی حاکمان است: «الْعَدْلُ ... جَمَالُ الْوَلَاةِ (همان: ۱۰۸)؛ عدالت ... جمال زمامداران است.»

ب) تأمین نیازمندی های همگانی و گسترش رفاه عمومی

یکی دیگر از اهداف اجتماعی حکومت ها، تأمین نیازهای همگانی و گسترش رفاه عمومی برای شهروندان است، از این رو تأمین همگان از لحاظ مادی و معیشتی و ایجاد رفاه اجتماعی از کارکردهای مهم حکومت اسلامی است.

اساس نظام اجتماعی بر تعاون و همیاری و احسان به یکدیگر نهاده شده است و این رمز پناهندگی انسان به جامعه است؛ چرا که انسان به تنهایی توانایی تأمین نیازهای خود را ندارد و همواره به دنبال یاری دیگران است. این امر عامل مهمی در حمایت متقابل انسان ها به ویژه در زمان وقوع حوادث و بحران های بزرگ است.

تقسیم عادلانه بیت المال و جلوگیری از تبعیض و سوء استفاده های اجتماعی باعث شد که وضع مردم کوفه در سطح مطلوبی قرار گیرد و مردم از امکانات خوبی بهره مند گردند. امام آنچه در بیت المال جمع می شد، میان مردم تقسیم می کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۷ / ۶۰) و چیزی را ذخیره نمی کرد. از این رو امام در سخنانی می فرماید:

مَا أَصْحَحَ بِالْكُوفَةِ أَحَدًا إِلَّا تَاعَمًا إِنَّ أَدْنَاهُمْ مَنْزِلَةً لِيَأْكُلُوا الْبُرَّ وَيَشْرَبُوا مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ
(مجلسی، همان: ۴۰ / ۳۲۷).

همه مردم کوفه برخوردار از نعمت بودند، پایین‌ترین طبقات مردم نان گندم مصرف می‌کردند و صاحب منزل و سرپناه بودند و از آب گوارا می‌نوشیدند.

بر اساس این فرمایش ملاحظه می‌شود که امام علیه السلام علی‌رغم وجود فتنه‌ها و درگیری‌های داخلی از توجه به تحقق این هدف غافل نبوده است.

ج) ارتباط بهینه با دیگر حکومت‌ها

از جمله اهداف حکومت دینی ارتباط مبتنی بر حفظ عزت و ارزش‌های دینی با دیگر حکومت‌ها است. این هدف از سویی برخاسته از جهان‌شمولی دین مبین اسلام است و از سوی دیگر نیازمندی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه مسلمانان به برقراری روابط با دیگر بلاد است. عدم برقراری این ارتباط باعث جلوگیری از صدور اسلام به دیگر سرزمین‌ها و انزوای مسلمانان در تعاملات بین‌المللی و زمینه‌سازی تسلط نظام سلطه بر بلاد اسلامی خواهد شد.

اهداف سیاست خارجی اسلام مبتنی بر دیدگاه جهانی این مکتب است که عمدتاً در راستای تامین سعادت دینی و دنیوی بشر استوار است. اگر دستیابی انسان به کمال و تامین سعادت او را به‌عنوان هدف غایی و بلندمدت در نظر گرفته شود در این صورت بسط و گسترش اسلام و ارزش‌های دینی و حفظ دارالاسلام از اهداف میانی یا کوتاه‌مدت محسوب می‌گردد.

اموری چون دعوت، جهاد، نفی سبیل، و ظلم‌ستیزی شکل‌دهنده قالب کلی رفتار خارجی است که در نهایت دولت اسلامی را به تحصیل سعادت و تامین آن یاری می‌دهد.

امام سیاست خارجی دولت اسلامی را کاملاً در راستای اهداف غایی اسلام تنظیم می‌کند. کمال انسانی هدف غایی و نفی ظلم و ایجاد عدالت اجتماعی هدف کوتاه مدت و مکمل هدف اصلی است.

دو. اهداف فرهنگی

یکی دیگر از اهداف در حکومت اسلامی، اهداف فرهنگی است. امام علی علیه السلام در بعد فرهنگی بیشتر بر جنبه خیرخواهی، تعلیم، تربیت و اصلاح معنوی آحاد جامعه پای می‌فشارد و آن را جزئی از حقوق مردم بر حاکم می‌داند (خطبه ۳۴).

ایشان در بخشی از فرمانش به مالک اشتر استاندار مصر از جمله اهداف حکومت را «استصلاح اهل» آن دیار می‌داند و می‌نویسد:

هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْثَرِ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وَّلَاةٍ
مِصْرَ... اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا.

این فرمانی است از بنده خدا، علی امیر مؤمنان به مالک اشتر پسر حارث، در عهدی که با او می‌گذارد، هنگامی که وی را به حکومت مصر می‌گمارد ... تا اهل آن را اصلاح نماید.

مقصود از «اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا» سازندگی اخلاقی و ایمانی مردم است. محمدتقی جعفری «استصلاح اهلها» را پرمعناترین و باعظمت‌ترین اجزاء هدف فرمان امام دانسته است (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۱۳) و محمد فاضل لنکرانی در شرح آن می‌نویسد:

از بیان «استصلاح اهلها» روشن می‌شود که وظیفه استاندار تنها رعایت جهات مادی و مسائل رفاهی و دنیوی مردم نیست. اصلاح و ارشاد مردم نیز جزء وظایف استاندار و از جمله کارهای اساسی او است. بنابراین مسئولان باید توجه داشته باشند که با آسفالت خیابان‌ها و کوچه‌ها و تامین یخچال و امثال آن مسئولیت‌شان پایان نمی‌پذیرد. در جامعه اسلامی یک مسئول باید نسبت به جنبه‌های معنوی مردم توجه داشته باشد و در پیشبرد آن نقش اساسی داشته باشد. (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۹: ۶۰)

به هر روی، در بیان مهم‌ترین اهداف فرهنگی حکومت دینی از دیدگاه امام علی علیه السلام می‌توان به دو مورد ذیل اشاره کرد:

الف) ترویج و توسعه اندیشه‌های ناب دینی

یکی از اسرارآمیزترین مسائل تاریخ اسلام، رمز موفقیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در تحول جامعه جاهلی به جامعه اسلامی در کوتاه‌ترین زمان است. این حرکت در مدتی نه چندان طولانی همه افق‌های دور را نیز درنوردید و تمدن‌ها و فرهنگ‌های کهن و ریشه‌دار آن سوی جزیره العرب را نیز از شعاع خود بهره‌مند ساخت و در کمترین فرصت برای تقابل و رویارویی با آنها همت نمود، بی‌آنکه از راهکارهای ناروای سیاستمداران و زورمندان سود جوید.

پایه دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله به دستور الهی استفاده از ابزار حکومت و اندرز درست به شیوه‌ای پسندیده بود. این همان روشی است که امیرمؤمنان علیه السلام نیز در دوره حکومت خود از آن استفاده کرد. نهضت فراگیر رسول خدا صلی الله علیه و آله با آن اهداف بسیار بلند در زمانی محدود تحقق نیافتنی بود و به تداوم



و پیگیری نیاز داشت و حضرت بر این حقیقت آگاه بود و آن همه سفارش‌ها بر ادامه راه و زلال ساختن اندیشه جامعه و تمسک به قرآن و سنت برای حفظ همان نهضت انجام می‌گرفت.

امیرمؤمنان علیه السلام به هنگام حکومت، به دنبال انقلاب فرهنگی مطابق شیوه و روش پیامبر صلی الله علیه و آله بود. بدین منظور در همه زمینه‌ها بر مبنای طرح رسول خدا صلی الله علیه و آله گام نهاد تا تمدن نوین آن حضرت در محدوده جزیره العرب را - با گسترش دامنه حکومت اسلامی پس از فتوحات - به سراسر جهان بنمایاند.

حضور در صحنه فرهنگی در فرصت چند ساله حکومت برای آن حضرت مهم بود. بدین سان حضرت در عرصه تبلیغ دین کوشید تا اندکی از معارف و اسرار به یادگار مانده از پیامبر صلی الله علیه و آله را که تا آن زمان زمینه انتشارش پدیدار نشده بود، برای افراد لایق بیان کند تا بیدار دلان آن زمان و آیندگان تفاوت میان حق و باطل و حجت الهی و طاغوت را بدانند.

با آغاز خلافت امیرمؤمنان علیه السلام فرصت انجام فعالیت‌های فرهنگی فراهم شد. بدین سبب حضرت شمه‌ای از آن معارف الهی را که خدای متعال در وجود او به ودیعت نهاده بود، بیان کرد و در جلسات عمومی و خصوصی و نیز در گفتگو با غیرمسلمانان حقایقی را آشکار ساخت، چنان که روزی مردی یهودی از اهالی یمن به خدمت آن حضرت رسید و گفت: ای امیرمؤمنان آفریدگارت را برای من چنان توصیف کن که گویی من او را می‌بینم و به او می‌نگرم. حضرت پس از حمد و سپاس پروردگار در پاسخ وی سخنانی حکمت‌آمیز و عقلانی بیان فرمود. (خطبه ۹۱)

امام علی علیه السلام از همان آغاز حکومت کوشید تا بسیاری از حقایق اسلام و معارف آن را که پس از پیامبر مخدوش شده بود برای نسل کنونی و آینده آشکار کند و ظلمی را که بر فرهنگ اسلامی رفته بود و از آن پوسته و ظاهری بیش نمانده بود، با علوم و اسرار الهی که از پیامبر آموخته بود و با پیمانی که خدا برای اعتلای کلمه الله از او گرفته بود، تمام اهداف و ابعادش را بازگوید و ابعاد فراموش شده قرآن را به یاد آورد. آن حضرت در تبلیغ و ترویج اندیشه‌های ناب دین مبین اسلام در مدت کوتاه حکومت خود به طرح چند امر مهم پرداخت که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- معرفی جایگاه اهل بیت علیهم السلام در حفظ اسلام؛
- بیان معارف دین، احکام قرآن و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله؛
- آشکار ساختن بدعت‌ها در حد توان و ظرفیت جامعه؛
- پرورش شاگردانی برجسته در رشته‌های مختلف و اعزام آنان به مناطق اسلامی؛
- تشویق به بیان و نگارش حدیث؛



- پاسخ گویی به پرسش‌های اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان؛

- تفسیر قرآن، تدوین علم نحو و تربیت مفسر. (نادم، ۱۳۸۳: ۴۵)

برخی، شمار یاران تربیت‌شده امام علی (ع) را نزدیک به شش هزار نفر دانسته‌اند، (برقی، ۱۳۴۲: ۳) در میان آنها، افرادی چون: ابن عباس، کمیل بن زیاد، رشید هجری، میثم تمار، حجر بن عدی، اصغ بن نباته، صعصعه بن صوحان، نوف بکالی، ضرار بن حمزه و زید بن وهب از امتیاز برخوردار بودند. این شاگردان به این واقعیت پی برده بودند که دیگر شخصیتی با این عظمت نخواهند یافت و سخنی به استحکام سخن او نخواهند شنید، از این رو با تمام وجود به سخنانش گوش سپرده و در ثبت آن در سینه‌ها و اوراق می‌کوشیدند.

ب) گسترش مرزهای دانش در میان مردم

هدف فرهنگی دیگر در حکومت اسلامی، مسأله تعلیم و تربیت افراد جامعه و گسترش مرزهای دانش در جامعه است. امام علی (ع) در زمینه این بعد فرهنگی، بر تعلیم و تربیت مردم پای می‌فشارد و افزون بر اینکه آن را جزئی از اهداف فرهنگی حکومت اسلامی می‌داند، آن را از جمله حقوق مردم بر حاکمان دانسته و می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ ف... تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا
وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا (خطبه ۳۴).

مردم مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی. بر من است که ... شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید و آداب آموزم تا بدانید.

بر این اساس که باید بخشی از حکومت جهت تامین این هدف به آموزش و پرورش احاد جامعه از کودکی تا بزرگسالی بپردازد.

سه. اهداف اقتصادی

اقتصاد یکی از ارکان مهم حکومت است. اهداف اقتصادی حکومت دینی از نگاه امیرمؤمنان (ع) بدین شرح است:

الف) افزایش توان اقتصادی شهروندان

یکی از اهداف اقتصادی حکومت افزایش توان اقتصادی احاد جامعه است. مردم در پرتو حکومت باید از نظر اقتصادی توانایی لازم را در این عرصه داشته باشند تا بتوانند نیاز خویش را تامین نمایند. حکومت اسلامی باید در راستای دستیابی به این هدف تدابیر لازم را برای مردم اتخاذ نماید،



چنان که امام علیه السلام در فرمایش‌های خویش، جمع‌آوری اموال مانند: خراج، فیه و ... برای بیت‌المال و تلاش در جهت افزایش آن را از اهداف اقتصادی حکومت برمی‌شمرد. آن حضرت می‌فرماید: «...وَيُجْمَعُ بِهِ الْفَيْءُ؛ (خطبه ۴۰)؛ در سایه حکومت، مال دیوانی فراهم آید.» از نگاه آن حضرت این جمع‌آوری زر و سیم برای فربه شدن حاکمان و کارگزاران نیست بلکه برای توزیع میان مردمان اقصى نقاط بلاد تحت حاکمیت او است.

تأمین رفاه عمومی از جمله حقوق اساسی هر انسانی در جامعه است؛ بدین معنا که روابط و مناسبات و نظام اقتصادی باید به‌گونه‌ای باشد که حاصل کار و تلاش هر انسانی زمینه‌ساز رفاه اقتصادی او شود و جامعه در رفاهی نسبی به سر برد، چنان که امام علی علیه السلام از جمله وظایف اساسی حکومت را فراهم ساختن بستر مناسب جهت تحقق رفاه عمومی دانسته و می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ (خطبه ۳۴).

مردم مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی. بر من است که خیرخواهی را از شما دریغ ندارم و حقی را که از بیت‌المال دارید بگذارم.

تعبیر «تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ» بیانگر موضوعی اساسی است و آن اینکه حکومت به‌عنوان وکیل و خزانه‌دار مردم باید دارایی‌هایی را که از جانب آنها به‌عنوان امانت در اختیار دارد با برنامه‌ریزی درست، فراوان سازد و بر جامعه سرازیر نماید تا رفاه عمومی شکل گیرد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۱: ۶۷۴)

ب) آبادسازی و عمران کشور

هدف دیگر در عرصه اقتصادی، آبادانی و عمران کشور است. امام علی علیه السلام در نامه‌اش خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكُ بَنِ الْحَارِثِ الْأَشْطَرِيِّ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وَلَّاهُ مِصْرَ... عِمَارَةَ بِلَادِهَا؛ این فرمانی است از بنده خدا، علی امیرمؤمنان به مالک اشتر پسر حارث، در عهدی که با او می‌گذارد، هنگامی که وی را به حکومت مصر می‌گمارد ... تا شهرهای آن را آباد کند» و در ادامه از او می‌خواهد تا آبادانی زمین را بر جلب مالیات مقدم بدارد:

وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَ مَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بَعْدَ عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَهْلَكَ الْعِبَادَ وَ لَمْ يَسْتَقِمْ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا (نامه ۵۳).

و باید نگرستانت به آبادانی زمین بیشتر از گرفتن خراج باشد، که گرفتن خراج



جز با آبادانی میسر نشود و آن که خراج خواهد و به آبادانی نپردازد، شهرها را ویران کند و بندگان را هلاک سازد و کارش جز اندکی راست نیاید.

از دیدگاه امام علی علیه السلام انسان در برابر زمین‌های غیر قابل کشت مسئولیت دارد تا با تلاش خود آن را برای کشاورزی آماده سازد و از طریق آن گرسنگی انسان‌ها را برطرف نماید، از این رو حضرت می‌فرماید:

اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ (خطبه ۱۶۷).
خدا را واپایید در حق شهرهای او و بندگان، که شما مسئولید حتی از سرزمین‌ها و چهارپایان.

سیره امام علی علیه السلام حکایتگر آن است که ایشان در هوای گرم و سوزان عربستان به حفر چاه می‌پرداخت و به وسیله آن زمین‌های خشک و رها شده را به نخلستان‌های سرسبز تبدیل می‌ساخت. (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵: ۲ / ۳۰۲)

در آموزه‌های علوی پیرامون عمران و آبادانی سرزمین‌ها سفارش و تاکید شده است. این سفارش امام را می‌توان در وصیت حضرت به فرزندان خویش در باره چگونگی تصرف در اموالش به‌خوبی مشاهده نمود. امام خطاب به فرزندان فرمود:

وَ يَشْتَرِطُ عَلَيَّ الَّذِي يَجْعَلُهُ إِلَيْهِ أَنْ يَتْرَكَ الْمَالَ عَلَيَّ أَصُولِهِ وَ يُنْفِقَ مِنْ ثَمَرِهِ حَيْثُ أَمَرَ بِهِ وَ هُدًى لَهُ وَ الْأَلَا يَبِيعَ مِنْ أَوْلَادٍ نَخِيلٍ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَ دِيَّةً حَتَّىٰ تُشْكَلَ أَرْضُهَا غَرَامًا (نامه ۲۴).
و با کسی که این اموال در دست او است شرط می‌کنم که اصل مال را حفظ کند و تنها از میوه و درآمدش در آن راهی که به او دستور داده‌ام انفاق نماید و از نهال‌های نخل چیزی نفروشد تا همه این سرزمین یک‌پارچه زیر پوشش نخل قرار گیرد و آباد شود.^۱

آن حضرت در روایتی پس از تقسیم راه‌های کسب درآمد مردم به پنج شاخه امور دولتی، آبادانی و کشاورزی، تجارت، اجاره و صدقات در باره کشاورزی می‌فرماید:

اما کشاورزی، خدای متعال می‌فرماید: «اوست که شما را پدید آورد و به عمران

۱. همان؛ سید رضی می‌گوید: در سخن امام علیه السلام «والا يبيع من نخيلها ودية»، «ودية» به معنای نهال نخل و جمع آن «ودي» (بر وزن علی) است و جمله دیگر امام که «حتي تشكل ارضها غراما» فصیح‌ترین سخن است و منظور این است که زمین پر از نخل شود که جز نخل چیز دیگری به چشم نیاید.

و آبادانی زمین دعوت کرد.» (هود / ۶۱) خدای متعال بدان رو انسان‌ها را به عمران و آبادانی زمین دعوت کرده تا از بهترین راه که کشاورزی است و محصولات آن از قبیل غلات و حبوبات و میوه‌ها، تامین معاش نمایند. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۹ / ۳۵)

ج) توسعه و ترویج تجارت، صنعت و زراعت

هدف دیگر اقتصادی حکومت توسعه و ترویج تجارت، صنعت و زراعت است. امام علی علیه السلام تجارت و صنعت را از بازوان اقتصاد برشمرده و از استاندار خویش خواسته است تا از این دو بخش غفلت ننماید:

... وَلَا قِيَامَ لَهُمْ جَمِيعاً إِلَّا بِالتِّجَارِ وَ ذَوِي الصِّنَاعَاتِ فِيمَا يَجْتَمِعُونَ عَلَيْهِ مِنْ مَرَافِقِهِمْ وَ يُقِيمُونَ مِنْ أَسْوَاقِهِمْ وَ يَكْفُونَهُمْ مِنَ التَّرَفُّقِ بِأَيْدِيهِمْ مَا لَا يَبْلُغُهُ رَفْقُ غَيْرِهِمْ (نامه ۵۳).
... و کار این جمله استوار نشود جز با بازرگانان و صنعتگران که فراهم می‌شوند و با سودی که به‌دست می‌آورند، بازارها را بر پای می‌دارند و کار مردم را کفایت می‌کنند، در آنچه دیگران مانند آن نتوانند.

آن حضرت در همین نامه، استاندار خویش را در باره توجه به کشاورزان سفارش نموده است. ایشان آب و خاک را وسیله ارتزاق انسان می‌داند که خدای متعال آن را در اختیار مردم نهاده است، از این رو امام علی علیه السلام همواره می‌فرمود:

مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تُرَاباً ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ (حر عاملی، همان: ۱۷ / ۴۱).
هر کس آب و خاکی در اختیار داشته باشد و (کشت و کاری نکند و) فقیر بماند، خدا او را از رحمت دور سازد.

چهار. اهداف سیاسی

در بیان اهداف سیاسی حکومت دینی از دیدگاه امام علی علیه السلام به دو مورد مهم اشاره می‌شود:

الف) مدیریت بر مبنای قوانین الهی

یکی از اهداف سیاسی در حکومت اسلامی، اداره کشور بر پایه قوانین و فرامین الهی است که شاه بیت آن اجرای عدالت در جامعه است. بر این اساس از نگاه امام علی علیه السلام عدالت باید در جامعه اسلامی به اجرا درآید و مدیران حکومت مجریان عدالت در جامعه باشند و آنان باید تمام توان خویش را در برنامه‌ریزی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اجرای آنها بر مدار عدالت به کار گیرند و در واقع عدالت را سیاست نمایند و آن را به‌عنوان هدف خود در سیاست قرار دهند، از این رو سیاست عدل، مبنای



فرمایش‌های آن حضرت در اداره حکومت بر مردم قرار گرفته است، چنان که می‌فرماید: «سیاسةُ العَدْلِ ثَلَاثٌ؛ لِيْنٌ فِي حَزْمٍ وَ اسْتِقْصَاءٌ فِي عَدْلِ وَ اِفْضَالٌ فِي قَصْدٍ؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۲۶: ۴۰۰) سیاست عادلانه در سه گونه رفتار است: نرمش هنگام دوران‌دیشی، کنجکاوی در اجرای عدالت و بخشش در میانه روی.» نیز آن حضرت فرمود: «جَمَالُ السِّيَاسَةِ الْعَدْلُ فِي الْإِمْرَةِ وَالْعَفْوُ مَعَ الْقَدْرَةِ؛ (همان: ۳۴۱) زیبایی سیاست، رعایت عدالت در رهبری و عفو هنگام قدرت است.» همچنین فرمود: «بَسُّ السَّاسَةِ الْجَوْرُ؛ ستمکاری، سیاست زشتی است.»

امام علی علیه السلام ضعف و سستی در اداره جامعه را آفتی برای رهبران دانسته و می‌فرماید: «أَفَةُ الرِّعَاءِ ضَعْفُ السِّيَاسَةِ؛ (همان: ۲۷۹) آفت رهبران و بزرگان و زمامداران ضعف سیاست آنها است.» و از سوی دیگر «حُسْنُ السِّيَاسَةِ قَوَامُ الرَّعِيَّةِ؛ (همان: ۳۴۴) سیاست نیکو، قوام و برپاداشتن نظام رعیت است.»

در اندیشه سیاسی شیعه از رهبری و اداره کلان حکومت، به امامت یاد می‌شود. بر اساس آموزه‌های اسلامی این امر خطیر در زمان حضور معصوم بر عهده امام است و در زمان غیبت امام، این مسئولیت را فقیه جامع الشرایط عهده‌دار است.

هدف اساسی در حکومت دینی، هدایت مردم در امور دین و دنیای آنها است، از این رو رهبر باید نسبت به اصلاح دین و دنیای مردم بکوشد. بر این اساس تمام فرامین، اعمال و رفتار حاکم اسلامی در جامعه بایستی متضمن حفظ این دو مهم؛ یعنی پیشرفت دین و رفاه دنیوی ملت باشد. بی‌تردید این دو نیز مانند دو بال برای پرواز است و تقویت یکی بدون دیگری جامعه را از مسیر الهی خارج می‌سازد. تقویت دین بدون توجه به رشد دنیوی و تقویت دنیا بدون رشد دین در جامعه، نتیجه‌ای جز تباهی دین و دنیا به دنبال نخواهد داشت و جامعه‌ای که مانند جسم بی‌روح و یا روان بی‌جسم است، از ادامه حیات باز می‌ماند. (غضنفری، ۱۳۷۹: ۹۰)

ب) حاکمیت دادن شایستگان

یکی دیگر از اهداف سیاسی در حکومت اسلامی حاکمیت افراد شایسته در مناصب حکومتی است. شایستگی در لغت به معنای «داشتن توانایی، مهارت، دانش، لیاقت و صلاحیت» (دهخدا، لغتنامه دهخدا؛ ذیل واژه) است و در اصطلاح با توجه به نوع شغل و مسئولیت و توانایی افراد معنا می‌یابد. در حکومت غیردینی، معیار شایستگی در چارچوب خاص آن نظام تعریف می‌شود و ممکن است ملاک‌ها و معیارهای آن از نظر حکومت دینی بی‌اعتبار باشد. مبانی این حکومت‌ها اغلب بر اصالت ذات استوار است، از این رو عمده وجه افتراق مدیریت اسلامی با آنها، موضوع ارزش‌ها است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۵: ۱۲)

در هیچ یک از حکومت‌های غیردینی سخن از وجود ارزش‌ها، تعهد و شایستگی روحی و اخلاقی مطرح نیست؛ زیرا در عمده میانی فکری آنها اصل تقدم ماده بر روح و تقدم جسم بر روان و اصالت نداشتن نیروهای روانی و ارزش‌های روحی و معنوی از اصول اساسی ماتریالیسم فلسفی است. (مطهری، ۱۳۷۲: ۸۰).

از جمله الزامات حکومت موفق، داشتن نیروی انسانی کارآمد و متعهد در دستگاه حکومت به ویژه در پست‌ها و مناصب مدیریتی است، بر این اساس، حسن اجرای وظایف و امور حکومتی تابع انتخاب عوامل و نیروهای شایسته است. شایسته‌سالاری از اصولی‌ترین موضوعاتی است که در متون اسلامی به آن توجه شده است. هر حکومتی برای پایداری و موفقیت در عرصه‌های مختلف نیازمند به توسعه شایستگی است.

حکومت برای انجام این مهم نیاز به تشکیلاتی دارد تا شرایط متناسب با اهداف و وظایف حکومت را تدوین و بر اساس آن به جذب و گزینش نیروی انسانی برای دستگاه‌های مختلف اقدام نماید. بدیهی است که برخی از شرایط جنبه عمومی دارد و هر کس در حکومت اسلامی در هر رده، رسته و شغلی قرار می‌گیرد باید واجد آن باشد اما برخی شرایط به نوع شغل بستگی دارد، چنان‌که شرایطی که یک قاضی دارد با شرایط یک تاجر و یک نظامی متفاوت است، از این‌رو ساختار و تشکیلات گزینش منابع انسانی در چارچوب وظایف خود بر اساس شایسته‌سالاری به جذب نیروی متعهد و متخصص برای دستگاه‌های حکومتی می‌پردازد. شایسته‌سالاری به شناسایی، گزینش، جلب و جذب مداوم نیروی انسانی با کفایت و فراهم کردن زمینه‌های اعمال مدیریت برای توانمندی‌هایشان گفته می‌شود. شایسته‌سالاری فرایندی تلفیقی از فرایندهای شایسته‌خواهی، شایسته‌شناسی، شایسته‌سنجی، شایسته‌گزینی، شایسته‌گیری، شایسته‌گماری، شایسته‌داری و شایسته‌پروری است. (رمضانی، بی تا: ۵)

نامه‌ها و سخنرانی‌های امام علی علیه السلام خطاب به عوامل و کارگزاران حکومت خود، نشان می‌دهد که آن حضرت پیرامون انتخاب افراد شایسته در پست‌های مدیریتی و ارتقاء رفتار سازمانی نیروهای حکومت تأکید فراوانی داشته است. این تأکیدها را می‌توان در مخاطب ساختن مسئولان در سطوح مختلف مدیریت از مدیران عالی رتبه گرفته تا عوامل و پرسنل امور جزئی حکومت مشاهده نمود. امام علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «مسئولیت‌ها را به کسانی بسیار که خیرخواهی در دین و توجه به دستورهای خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله داشته باشند.» (نامه ۵۳) از این‌رو امام از اینکه حکومت به دست سفیهان و نادانان بیافتد، خطاب به مردم مصر با اظهار تاسف شدید می‌فرماید: «وَلَكِنِّي آتِي

أَنْ يَلِيَّ أَمْرَهُدِ الْأُمَّةِ سَفَهَاؤُهَا وَفُجَارُهَا فَيَتَّخِذُوا مَالَ اللَّهِ دُولًا» (نامه ۶۲).

مقصود امام از عقل، عقل دینی است و مقصود از سفیه کسی است که مانند معاویه دارای عقل معاش است اما از عقلی که حجت خدا باشد و انسان را به صراط مستقیم راهنمایی کند، بی بهره است. بر اساس اندیشه سیاسی امام هر عزل و نصبی باید صبغه الهی داشته باشد، چنان که هشام بن حکم شاگرد امام صادق علیه السلام می گوید: «من از اهل سنت بسیار در شگفتم؛ زیرا آنان کسی را که خدا ولایت او را از آسمان نازل کرده است برکنار نمودند و کسی را که خدا عزلش را از آسمان نازل فرمود به ریاست نشانندند.» (شوشتری، ۱۴۱۸: ۵ / ۲۷) از این رو سزاوارترین افراد برای تصدی مسئولیت کسی است که قدرت مدیریت انجام کار به همراه علم و تخصص لازم را داشته باشد. مقصود از علم، علم به امر و نهی الهی است (خطبه ۱۷۲).

پنج. اهداف نظامی و امنیتی

«امنیت» در متون اسلامی با مشتقاتی از «أَمِنَ» فراوان به کار رفته است، به طور معمول امنیت را به معنای اطمینان و آرامش در برابر خوف به کار برده اند و در دو بعد ایجابی و سلبی معنا کرده اند؛ یعنی اطمینان و آرامش فکری و روحی و فقدان خوف، دلهره و نگرانی که موجب سلب آرامش و اطمینان می شود. پیوند معنایی ناگسستنی امنیت با واژه های اسلام، ایمان و مومن حاکی از اهمیت زیاد مفهوم امنیت است.

از نظر آموزه های اسلامی امنیت در زمره یکی از دو نعمتی است که به هنگام فقدان آن به ارزش و اهمیت آن پی برده می شود، چنان که امام علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت می کند: «نعمتان مکفورتان الصحه و الامان؛ (صدوق، ۱۳۶۲: ۱ / ۳۴) دو نعمت است که ناسپاسی می شود و آن سلامتی و امنیت است.» آن حضرت در باره نقش و اهمیت امنیت می فرماید: «رفاهیه العیش فی الامن؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۲۶: ۳۸۹) رفاهت زندگانی در امنیت است.» و نیز «لا نعمه اهنأمن الأمن؛ (همان: ۷۹۳) هیچ نعمتی گواراتر از امنیت نیست.»

اهداف نظامی و امنیتی حکومت دینی از منظر امام علی علیه السلام بدین شرح است:

الف) تأمین امنیت عمومی برای همه شهروندان

یکی از اهداف حکومت ایجاد امنیت برای شهروندان است. وجود امنیت سرزمین و راهها از شر دشمنان و زورگویان و زورگیران، تاثیر زیادی در ایجاد و پایداری و ثبات دیگر اهداف حکومت دارد. امام علی علیه السلام در باره این هدف می فرماید:



... وَ يُقَاتِلُ بِهِ الْعَدُوَّ وَ تَأْمُنُ بِهِ السُّبُلُ وَ يُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيِّ حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرًّا وَ يُسْتَرَاخَ مِنْ فَاجِرٍ (خطبه ۴۰).

با دشمنان پیکار کنند و راه‌ها را ایمن سازند و به نیروی او حق ناتوان را از توانا بستانند، تا نیکو کردار، روز به آسودگی به شب رساند و از گزند تبه‌کار در امان ماند.

آن حضرت خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْثَرِ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وُلَاةٍ مِصْرَ... وَ جِهَادَ عَدُوِّهَا (نامه ۵۳).

این فرمانی است از بنده خدا، علی امیرمؤمنان به مالک اشتر پسر حارث، در عهدی که با او می‌گذارد، هنگامی که وی را به حکومت مصر می‌گمارد ... تا با دشمنان آن پیکار نماید.

بنابر این یکی از مهم‌ترین اهداف حکومت برقراری امنیت و رفع هرگونه عامل ناامنی در جامعه است. از نظر اسلام، امنیت یکی از اصول زندگی فردی و حکومتی است. امنیت زمینه‌ساز بهره‌مندی از مواهب حیات و تکامل بشر است. برقراری امنیت با فعالیت فردی و یک سویه قابل تحقق نیست بلکه در سایه یک حکومت مقتدر می‌توان به آن دست یافت.

فقدان امنیت موجب از دست رفتن فرصت‌ها برای استفاده از تسهیلات زندگی است. حکومتی که دارای وفور نعمت و ثروت خدادادی است در صورت مواجه با ناامنی امکان بهره‌برداری از این مواهب برایش امکان‌پذیر نخواهد بود.

ب) کشف توطئه‌ها و پیشگیری از وقوع آنها

یکی از اهداف در حوزه نظامی و امنیتی، کشف توطئه‌ها و پیشگیری از وقوع آنها است. این امر باعث خنثی شدن توطئه و در نطفه خفه کردن آن می‌شود و از وقوع هرج و مرج در نظام حکومت و از بین رفتن بیت‌المال و ریخته شدن خون بی‌گناهان و پرداختن هزینه‌ها و سرمایه‌های مادی و معنوی جلوگیری خواهد نمود.

رخداد هرگونه توطئه و شورش علیه حکومت باعث اختلال در خدمت‌رسانی به مردم و مانع پیشرفت و دستیابی حکومت به اهداف مادی و معنوی خویش خواهد شد. از این‌رو با برنامه‌ریزی و تقویت قوای امنیتی در کشف توطئه مخالفان داخلی و خارجی و مقابله به موقع و دقیق و صحیح با آنها از فتنه‌ها و رخداد بحران‌های کوچک و بزرگ پیشگیری خواهد شد.

یکی از ماموریت‌های اصلی عیون در حکومت امام علی علیه السلام کشف توطئه‌ها و پیشگیری از به بار نشستن آنها است، چنان که نامه آن حضرت به فُثم بن عباس والی مکه ناظر به این مهم است:

جاسوس من در مغرب (شام) به من نوشته است که دسته‌ای از شامیان را برای روزهای حج روانه داشته‌اند، مردمی کوردل که گوش‌هاشان در شنیدن سخن حق ناشنواست و دیده‌هاشان در دیدن آن نابینا ... پس در کار خود (حکومت مکه و حفظ امنیت آن) هشیارانه و سرسختانه پایدار باش ... مبادا کاری کنی که به عذرخواهی ناچار شوی (نامه ۳۳).

ج) مدیریت بحران‌های اجتماعی - سیاسی

حکومت‌ها همواره با موج‌آفرینی‌ها و بحران‌های کوچک و بزرگ از سوی خودی‌ها و دشمنان مواجه است. بحران‌ها اعم از بحران‌های اجتماعی و سیاسی باعث اضمحلال حکومت می‌گردد. شایعه‌ها، دروغ‌پردازی‌ها و فرافکنی‌ها از جمله عوامل انحراف اذهان عمومی و شورش‌ها است. حکومت دینی مبتنی بر احکام و قوانین اسلام ناب محمدی از یک‌سو باید رفتار و کارکرد دستگاه‌ها و مسئولان را مورد نظارت جدی خود و مردم قرار دهد و از سوی دیگر در رفع ضعف‌ها و کاستی‌ها و پاسخ شفاف به مردم در باره مشکلات باقی مانده، کوشش نماید.

حکومت‌ها به دلیل وجود دشمنان و معاندان، همواره شاهد موج‌آفرینی‌های عوامل دشمن و در نتیجه انحراف افکار عمومی و شورش‌ها و بحران‌های سیاسی اجتماعی و به مخاطره افتادن امنیت و سلامت جامعه و گاه تزلزل در بنیان حکومت‌ها هستند. این امر در حکومت به حق امیرمؤمنان علیه السلام نیز رخ داده است، چنان که دوستان دیروز که با حضرت بیعت کرده بودند به دلیل بی‌توجهی امام به انتظارات نابه‌جای آنان از آن حضرت فاصله گرفتند و با تشکیل جلسات مخفیانه بحران‌های بزرگی را در پیش‌روی حکومت نوپای امیرمؤمنان علیه السلام قرار دادند؛ بحران‌هایی که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله سابقه نداشته است.

امام علی علیه السلام در باره پیامد منفی بحران‌ها در نظام حکومت چنین می‌فرماید:

وَإِذَا غَلَبَتِ الرَّعِيَّةُ وَالْيَهَاءُ أَوْ أَجْحَفَ الْوَالِي بِرِعِيَّتِهِ اخْتَلَفَتْ هُنَالِكَ الْكَلِمَةُ وَظَهَرَتْ مَعَالِمُ الْجَوْرِ وَكَثُرَ الْإِدْعَاءُ فِي الدِّينِ وَتُرِكَتْ مَحَاجُّ السُّنَنِ فَعَمِلَ بِالْهَوَى وَعُطِلَتِ الْأَحْكَامُ وَكَثُرَتْ عِلَلُ النَّفُوسِ فَلَا يُسْتَوْحَشُ لِعَظِيمٍ حَقِّ عَطْلٍ وَلَا لِعَظِيمٍ بَاطِلٍ فَعَمِلَ فَهُنَالِكَ تَذَلُّ الْأَبْرَارُ وَتَعَزُّ الْأَشْرَارُ وَتَعْظُمُ تَبِعَاتُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عِنْدَ الْعِبَادِ (خطبه ۲۱۶).

و اگر رعیت بر والی چیره شود و یا والی بر رعیت ستم کند، اختلاف کلمه پدیدار گردد و نشانه‌های جور آشکار و تبه‌کاری در دین بسیار. راه گشاده سنت را رها کنند و کار از روی هوا کنند و احکام فروگذار شود و بیماری جان‌ها بسیار و بیمی نکنند که حقی بزرگ فرو نهاده شود و یا باطلی سترگ انجام داده. آنگاه نیکان خوار شوند و بدکاران بزرگ مقدار و تاوان فراوان برگردن بندگان از پروردگار.

امیرمؤمنان علیه السلام با حفظ آمادگی نظامی، دادن آموزش‌های لازم رزمی، تقویت روحیه شهادت‌طلبی در مردم، دشمن‌شناسی و افشای ماهیت دشمن، بسیج عمومی مردم، کسب اطلاعات لازم با نفوذ در دشمن، دادن هشدارهای به موقع و به‌جا به نیروهای خودی، هشدار جدی به دشمن، نصیحت کردن دشمن، پاسخ دادن به شایعات، حفظ نظارت بر امور حکومت و ... بحران‌های سیاسی، اجتماعی و نظامی را کنترل کرد. (دشتی، ۱۳۸۰: ۴۱)

نتیجه

بر اساس آنچه بیان شد، حکومت دینی، حکومتی است که در آن مدیریت خرد و کلان جامعه بر مبنای احکام، فرامین و ارزش‌های دینی انجام می‌گردد. در این مقاله اهداف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و امنیتی حکومت از منظر امام علی علیه السلام بررسی شد.

بر اساس آموزه‌ها و سیره سیاسی و رفتاری امام علی علیه السلام در یک نگاه اهداف حکومت را می‌توان به اهداف بلندمدت (غایی) و کوتاه‌مدت (میانی) تقسیم نمود. حکومت دینی در اهداف غایی به دنبال انسان‌سازی و هدایت انسان به قرب الهی است و در اهداف میانی در جهت مدیریت بر مبنای قوانین الهی، حاکمیت دادن شایستگان، ارتباط بهینه با دیگر حکومت‌ها، اجرای عدالت همه جانبه، تامین نیازمندی‌های همگانی و گسترش رفاه عمومی، ترویج و توسعه اندیشه‌های ناب دینی، گسترش مرزهای دانش در میان مردم، افزایش توان اقتصادی شهروندان، آبادسازی و عمران کشور، توسعه و ترویج تجارت، صنعت و زراعت، تامین امنیت عمومی برای همه شهروندان، کشف توطئه‌ها و پیشگیری از وقوع آنها و مدیریت بحران‌های اجتماعی - سیاسی می‌کوشد.

بر اساس اهداف مزبور وجود نهادهای: امامت و رهبری امت، گزینش و جذب نیروی انسانی کارآمد، روابط بین‌الملل، دادگستری، رفاه و تامین اجتماعی، تبلیغ و ارشاد اسلامی، تعلیم و تربیت،

امور مالی و بیت‌المال، تجارت، صنعت، زراعت، نیروی نظامی و انتظامی و اطلاعاتی در حکومت دینی ضرورت دارد.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، تصحیح صبحی صالح، قم، دارالهجره، بی‌تا.
- اوزر، آتیلا، دولت در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه عباس باقری، تهران، نشر پژوهان فرزانه، ۱۳۸۶.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، کتاب الرجال، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۲۶ ق.
- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام، قم، آل البيت (ع)، ۱۳۸۵.
- جعفری، محمد تقی، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران، موسسه نشر آثار علامه جعفری، چاپ پنجم، ۱۳۸۶.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم: آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، رخساره خورشید، تهران، دریا، ۱۳۹۱.
- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم، دار الهجره، بی‌تا.
- شوشتری، محمد تقی، بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، تهران، امیر کبیر، ۱۴۱۸ ق.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
- عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴.
- غضنفری، علی، حکومت اسلامی در نهج البلاغه، قم، طاووس بهشت، ۱۳۷۹.
- فاضل لنکرانی، محمد، آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۹.
- مازندرانی، محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم، علامه، ۱۳۷۹.



- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۴۰۳ ق.
- مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ، تهران، صدرا، ۱۳۷۲.
- نادم، محمدحسن، خاستگاه فرهنگی نهج البلاغه، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۳.
- هادوی تهرانی، مهدی، ساختار کلی نظام اقتصادی اسلام، قم، خانه خرد، ۱۳۸۸.
- ب) مقاله‌ها
- دشتی، محمد، ۱۳۸۰، «مدیریت بحران در حکومت امام علی علیه السلام»، دانش انتظامی، شماره ۱، ص ۵۳ - ۳۸، تهران، دانشگاه انتظامی.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و زینت زرین لعل، «رعایت اصول حکومت علوی بستر ساز تحقق اهداف حکومت اسلامی»، پژوهشنامه نهج البلاغه، شماره ۱۰، همدان، دانشگاه همدان، ۱۳۹۴.
- فوزی، یحیی و مسعود کریمی، «تفاوت‌شناسی اهداف حکومت‌های سکولار و حکومت اسلامی»، علوم سیاسی، شماره ۵۱، ص ۴۰ - ۷، قم، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، ۱۳۸۹.
- _____، «اهداف حکومت اسلامی»، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۵، ص ۱۵۲ - ۱۳۷، قم، دانشگاه معارف اسلامی، ۱۳۹۰.
- مصباح یزدی، محمدتقی، «مدیریت اسلامی و نظام ارزشی»، مصباح، شماره ۱۹، ۱۳۷۵.
- نیازی، احمدعلی، «اهداف و وظایف حکومت دینی»، معرفت سیاسی، شماره ۳، ص ۱۷۹ - ۱۴۹، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹.